

نقد

«ادوارد براون و ایران»

فرهنگی و هنری



بانی ورود نخستین دوربین فیلم‌برداری و نمایش فیلم به ایران، در سال ۱۲۷۹ شمسی برابر با ۱۹۰۰ میلادی مظفرالدین‌شاه و نخستین فیلم‌بردار ایرانی نیز ابراهیم‌خان عکاس‌یاشی بوده است.

نام‌گذاری روز سینما

در سال ۱۲۷۹ در چهارمین جشن بزرگ سینمای ایران و همزمان با بزرگداشت صدمین سال ورود سینما به ایران بود که ۲۱ شهریور ماه به عنوان روز ملی سینما شناخته شد و هر سال جشن خانه سینما در این روز برگزار می‌شود و ۲۱ شهریور ماه به عنوان روزی نمادین وارد تقویم شد.

تاریخچه ورود سینما به ایران

مظفرالدین‌شاه در فروردین سال ۱۲۷۹ از تهران به مقصد اروپا حرکت کرد. در این سفر بود که با سینما آشنا شد. در سفرنامه مبارکه مظفرالدین‌شاه آمده است که شاه روز یکشنبه هفدهم تیر ۱۲۷۹ به اتفاق میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌یاشی به تماشای دستگاه سینموفتوگراف و لاترنن مازیک رفته است. این حادثه پنج سال پس از رواج اختراع برادران لومیر در پاریس رخ داده (شاه این دوربین را اشتباهاً سینموفتوگراف می‌نامید.)

در هفته بعد، مظفرالدین‌شاه مجدداً به دیدار سینما رفت. حدود یک ماه پس از اولین دیدار مظفرالدین‌شاه با سینما، در سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۲۷۹ در شهر اوستاند در ساحل دریا در بلژیک، جشن روز عید گل برگزار شد و میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌یاشی مشغول عکس سینموفتوگراف‌اندازی از شاه شد. به این ترتیب بانی ورود نخستین دوربین فیلم‌برداری و نمایش فیلم، مظفرالدین‌شاه است و نخستین فیلم‌بردار ایرانی نیز ابراهیم‌خان عکاس‌یاشی

کتاب ادوارد براون و ایران نوشته حسن جوادی نقد می‌شود.

نخست هفتگی شهر کتاب امروز در ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب ادوارد براون و ایران اختصاص دارد که با حضور دکتر ایرج پارسی‌نژاد، دکتر محمود جعفری‌دهقی و دکتر ظهورت ساجدی در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.

به تازگی کتاب ادوارد براون و ایران به قلم دکتر حسن جوادی و به همت نشر نو منتشر شده است که زندگی و آثار براون را نقد و بررسی کرده است.

۲۱ شهریور؛ روز سینما

به‌شمار می‌آید…

نخستین موسس مدرسه سینمایی و فیلم‌برداری در ایران اوانس اوگانیانس، مهاجری ارمنی / روس بود، که پس از اتمام تحصیلاتش در رشته سینما به ایران آمد. اوگانیانس با فکر تاسیس مدرسه سینمایی، تولید فیلم را نیز به مرحله عمل در آورد. پس از درج اعلان برای نخستین دوره مدرسه، نتیجه‌ای به بار نیامد و با اعلان‌های بعدی، افتتاح مدرسه هنرپیشگی در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ روی داد و سیصد نفر نام‌نویسی کردند. اما این دوره را فقط ۱۲ نفر به‌پایان رساندند. سرانجام دوره دوم نیز پس از چاپ اعلان در جراید برگزار شد؛ در دوره دوم دروس مختلفی شامل فیلم‌برداری، بازیگری، ورزش، موسیقی، رقص، ژیمناستیک، تاریخ لباس و … تدریس می‌شد. اوگانیانس نتوانست دوره سوم را برگزار نماید.

در سال ۱۳۱۷ به هند رفت تا کار سینتا را ادامه دهد ولی درگیر مسائل سیاسی شد. پس از جنگ جهانی دوم به ایران بازگشت و نام خود را پس از گرویدن به اسلام رضا مژده نامید. بعد از آن نیز چندین‌بار تلاش کرد تا با سینما ارتباط برقرار کند ولی توفیقی نیافت.

عبدالحسین سپنتا و اولین تجربه در سینمای ایران -دختر لر

عبدالحسین سپنتا متولد ۱۲۸۶ تهران بود. وی در مدرسه سن‌لونی و مدرسه زرتشتیان تهران و نیز در اصفهان و کالج آمریکایی تحصیل کرد و علاقه زیادی به تاریخ و ادبیات ایران باستان داشت. سینتا سفرهایی به هند داشت و آثاری را منتشر نمود. در سال ۱۳۰۷ اولین روزنامه‌اش را با نام روزنامه ایران منتشر کرد. وی پس از سفر به ایران مجدداً به هند رفت.

آشنایی وی با سینما به‌طور تصادفی و از طریق اردشیر ایرانی صورت گرفت. پس از مطالعه در این زمینه به‌صورت تئوری، سناریو با نظر فنی اردشیر ایرانی نوشته شد. مشکل اساسی این دو در تهیه فیلم، انتخاب بازیگران بود که می‌بایست با زبان فارسی آشنایی می‌داشتند.

پس از جستجوی بسیار، سرانجام همسر یکی از کارمندان استودیو به‌نام روح‌انگیز جهت ایفای نقش دختر لـر برگزیده شد. نقش‌های بعدی را هادی شیرازی و سهراب پوری ایفا می‌کردند و نقش‌های

فرعی را خود سپنتا با تغییر صدا و لحن صحبت می‌کرد. پس از هفت ماه کار مداوم، نخستین فیلم ایرانی ناطق موجودیت یافت. از این فیلم بعدها به‌نام جعفر و گلنار یاد می‌شد.

نقش اساسی در تهیه این فیلم، به سپنتا تعلق داشت، گرچه ساخته اردشیر ایرانی ذکر شد و در واقع کارگردانی هنری با سپنتا و کارگردانی فنی با اردشیر ایرانی بود. فیلم دختر لر در مهر ۱۳۱۲ آماده نمایش شد و در ۳۰ آبان ۱۳۱۲ نمایش فیلم در سینما مایاک در خیابان لاله‌زار آغاز شد و با استقبال بی‌سابقه‌ای روبه رو شد و پس از ۳۷ روز نمایش، موفقیت بی‌نظیری کسب کرد.

سپس از دی ماه به مدت ۱۲۰ روز در سینما سپه اکران شد و حتی سال بعد یک ماه در سینما مایاک و ۵۰ روز در سینما سپه نمایش مجدد یافت. و نمایش سومی نیز در سینما سپه داشت. توفیق دختر لر فیلم‌های صامت را از رونق انداخت.

سینمای ایران بعد از انقلاب:

با پیروزی انقلاب، در ابتدا این تصور مطرح شد که حاکمیت دینی با سینما سر سازگاری ندارد و سینما از حیات فرهنگی این سرزمین حذف خواهد شد؛ اما با سخنان رهبر انقلاب این ذهنیت برطرف شد و با تأیید فیلم گاو ساخته داریوش مهرجویی از طرف ایشان، به‌عنوان سینمایی سالم، تلقی تازه‌ای در مورد آینده سینمای ایران پدید آمد؛ اما به‌رحال برخورد‌ها متفاوت بود.

با پیروزی انقلاب وزارت فرهنگ و هنر در وزارت علوم اقدام شد. در روز نخست دستور بازگشایی سینماها صادر شد و بسیاری از آثار انقلابی یا حتی استعماری به نمایش درآمد. دفتر کمیته‌های خارجی در اول سال ۱۳۵۸ تعطیل شد. در جلسه مشترک شورای تهیه کنندگان، وارکنندگان، سینماداران و هنرمندان در تیرماه ۱۳۵۸، تصمیم بر این گرفته شد که از ورود هر نوع فیلم خارجی جلوگیری شود. و سپس پروانه نمایش فیلم‌های ایرانی که از سال ۵۸ تا ۵۹ مجوز گرفته بودند لغو شد.

بعد از انقلاب ممیزی نیز ویژگی‌های تازه‌ای یافت. در سال‌های نخست پس از انقلاب در جریان تنش‌های حاد سیاسی، سینما به نازل‌ترین حد خود از لحاظ کمی و کیفی رسید.

تولید فیلم تحت تأثیر بی‌ثباتی سیاسی،

تغییر مداوم مسئولان و نوسان معیارهای ممیزی و در نتیجه عدم امنیت در سرمایه‌گذاری، ورود فیلم‌های خارجی رونق یافته بود. در این بین، تعدادی از تولیدکنندگان فیلم‌های ایرانی تلاش کردند تولید فیلم را بار دیگر به سه جریان اندازند. به گونه‌ای که با آرمان‌های اسلامی نیز انطباق داشته باشد. فیلم‌های برزخ‌ها، فریاد مجاهد، سرباز اسلام و … حاصل این تلاش هستند.

بعد از سال ۱۳۶۰ مجموعه امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و صنفی سینما تحت نظارت دولت قرار گرفت و تأثیر مثبت آن با محدودیت ورود فیلم‌های خارجی، حذف عوارض سنگین از فیلم‌های داخلی، نظم بخشیدن به ارتباط میان صاحبان سینما و صاحبان فیلم، پرداخت وام بانکی به تهیه‌کنندگان و بسیاری موارد دیگر خود را نشان داد. اصلاحات انجام شده مناثر از اراده عام سینماگران ایرانی بود. اما این سیاست سینمایی تبلیغات منفی نیز در پی داشت که بخشی از آن در بحث ممیزی قابل توجه می‌باشد.

به‌تدریج از سال ۱۳۶۴ با ایجاد رابطه مناسب‌تر میان سیاست‌گذاران و سینماگران، آثاری خلق شد که توانست نظر منتقدان و روشنفکران را نیز به‌خود جلب نماید و با اقبال عمومی نیز مواجه شد و در عین حال سینمای ایران را در سطح جشنواره‌های جهانی مطرح کند.

دهه شصت فوران کارهای درخشان نسل دوم سینمای جدید ایرانی است. در ابتدای دهه هفتاد با تصمیم دولت، یارانه حذف شد.

رویداد دیگر این سال تاسیس موسسه رسانه‌های تصویری به‌عنوان سازمان‌دهنده فعالیت‌های قانونی شبکه ویدئویی کشور بود. این اتفاق در پی آزادسازی ویدئو مطرح شد. در این دوره حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های جهانی و کسب جایزه برای مدیریت سینمایی به‌خودی خود ارزشمند نبود.

در سال ۱۳۷۹، پیش‌نویس قانون سینما ارائه شد که در آن دادگاه صالحه برای رسیدگی به خطاهای سینمایی پیش‌بینی شده است. همچنین استراتژی سینمای ایران در برنامه پنج ساله سوم توسعه انتشار یافت. ویژگی و مشخص این دوره که به سینمای بعد از دوم خرداد مشهور است، بحث سنت و مدرنیته می‌باشد.

کنسرت فرمان فتحعلیان و سی‌تار نوازی در جشنواره هنر برای صلح

اجرای گروه کر ناینیان‌ها همراه خواهد بود.

در بخش نمایش، گروه تئاتر قاصدک با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از امروز تا ۲۴ شهریورماه از ساعت ۱۷ نمایش‌هایی را با موضوع کودکان و صلح در محوطه باز خانه هنرمندان اجرا خواهد کرد. این نمایش‌ها بر اساس شعار پنجمین جشنواره بین‌المللی هنر برای صلح که آموزش صلح به کودکان است به اجرا در خواهد آمد.

هجچنین روز ۳۰ شهریورماه همزمان با آغاز ماه محرم در بخش نمایش، پرده‌خوانی نیز اجرا خواهد شد.

پنجمین جشنواره بین‌المللی هنر برای صلح از

از موسیقی‌های مطرح ایرانی؛

«نوستالژی‌نامه» فرزاد میلانی منتشر شد

۱۳۹۱ توسط انتشارات «آواخورشید - پتهوون» منتشر شد مجموعه‌ای بی‌کلام با فضایی آوانگارد در موسیقی فیوژن-مقامی است که میلانی در تلفیق موسیقی ایرانی - شرقی با تم‌ها و هارمونی‌های غربی با برداشتی پیشرو از سبک‌های کلاسیک، جز و راک، برای شنونده ایرانی و غیر ایرانی فرمی تازه از موسیقی شرقی ارائه می‌کند. «نوستالژی‌نامه» مجموعه‌ای است با تنظیم اکوستیک، که تولیدش از سال ۹۱ پس از انتشار «آکاردئون» آغاز شد و ضبط آن در چند کشور انجام شده است.

ایده‌پردازی طراحان ایرانی در رقابت طراحی موزه

بین‌المللی خط کره جنوبی

ایده پیشنهادی طراحان ایرانی در رقابت

طراحی موزه بین‌المللی خط کره جنوبی ثبت شد.

طراحان ایرانی در رقابت طراحی موزه بین‌المللی خط کره جنوبی ایده پیشنهادی خود را ارائه کردند. پرهام ادیب پور با همکاری مصطفی شاددام، علیرضا کریمی‌کلور و آراین لطفی طرح پیشنهادی خود را در پاسخ به فراخوان وزارت فرهنگ کره جنوبی برای دریافت ایده‌های طراحان سراسر جهان در سال جاری میلادی در این رویداد عرضه کرده‌اند.

موزه بین‌المللی خط کره جنوبی که بر تاریخ خط و نوشتار در فرهنگ‌های و تمدن‌های مختلف تمرکز خواهد داشت، قرار است در پارک مرکزی سانگهو در اینچئون کره جنوبی تأسیس

۵

سه‌شنبه ۲۱ شهریور ■ شماره ۲۳۴

یاد

فردی درون‌گرا در قامت یک سینماگر



الهام ربیسی‌فرد این‌به - روز‌نامه‌نگار



تیم برتون شاعری در قامت یک سینماگر است، شاعری که دنیای فانتزتری، خاص و گاهی سرد و افسرده‌اش را در قالب سکاس‌ها می‌ریزد و تماشاگر را به کنکاش از خود وا می‌دارد . آشنارش مربوط به دنیایی کاملاً درونی و شخصی است و به تبع آن واقع‌گرایان ارتباط چندانی با آن برقرار نمی‌کنند او بیش از آنکه در تلاش برای انتقال یک پیام یا معنای خاص باشد، در پی انتقال احساسی عمیق به مخاطب‌اش است ، کنکاشی که ذکر شد در راستای همین درون‌گریی در آثار اوست.

برتون وقتی بیست و چهار سال بیشتر نداشت، انیمیشن کوتاهی با نام ونیستت ساخت، داستان پسر بچه‌ای که غرق در افکار خود است. او عاشق داستان‌های ادگار آلن پو است (نویسنده‌ای که همچون برتون غرق در افکار و توهمات خویش بوده که خواننده را به ناخودآگاه غناب دیده خود دعوت می‌کند) و به همین دلیل تحت تأثیر فضای سپاه و گوتیک نوشته‌های او قرار می‌گیرد، او به‌قدری غرق این دنیای ذهنی است که می‌توانیم ناله روح رنجورش را از چشمان وحشت زده‌اش بشنویم. تنها مادرش گهگاه به او گوش‌زد می‌کند به دنیای واقعی برگردد و در انتها در حالی‌که ایباتی از شعر کلاغ سپاه ادگار آلن پو را دکلمه می‌کند، بر زمین می‌افتد و از بین می‌رود.

ونیستت در میان دیگر کاراکترهای آثار برتون بیشترین شباهت را به شخص او دارد، هر چند در شخصیت‌های دیگر آثارش نیز مقاری از خود حقیقی‌اش وجود دارد اما شخصاً معتقدم ونیستت بیش از دیگران در مسیر احساسات و دنیای درونی تیم برتون قرار دارد. تیم برای یادگیری ساخت انیمیشن در سن ۱۸ سالگی به موسسه هنرهای کالیفرنیا که متعلق به استودیوی والت دیزنی بود رفت و حرفه خود را به صورت جدی آغاز کرد. تیم برتون در سال ۱۹۷۹ از موسسه هنرهای کالیفرنیا فارغ‌التحصیل شد و به استودیوی Fox and the Hound) و دیگ سپاه (The Black Cauldron) کار می‌کرد. در سال ۱۹۸۲ و در همان دورانی که در دیزنی مشغول به کار بود، اولین فیلم کوتاه خود با نام ونیستت (Vincent) را ساخت. این فیلم براساس شعری از خود تیم و به سبک استاپ موشن ساخته شد. فیلمی که زمانش ۶ دقیقه و به‌صورت سپاه و سفید ساخته شد. ونیستت داستان پسر جوانی بود که در خیالات‌اش، خود را به جای ونیستت پرایس می‌بیند. ونیستت قهرمان این پسر و در واقع قهرمان خود تیم برتون نیز به حساب می‌آمد.

تیم به ساخت فیلم‌های کوتاه خود ادامه داد که از میان آن‌ها می‌توان هانسل و گرتل با تم ژاپنی از برادران گریم و همچنین فرنکن وینی را نام برد. هانسل و گرتل برای کانال دیزنی ساخته شد و فقط یکبار، آن هم در شب هالووین سال ۱۹۸۳ به نمایش درآمد و بعد از آن کنار گذاشته شد.

فرنکن وینی هم‌الهام‌گرفته‌از داستان فرانکشاین، و درباره پسری بود که بعد‌از تصادف سگ‌اش با ماشین و کشته شدنش، دوباره او را زنده می‌کند. این فیلم در سال ۱۹۸۴کران شد و بعد‌از آن، تیم استودیوی دیزنی را به دلیل تفاوت سلیقه ترک کرد. سبک شخصیتی تیم با استانداردهای دیزنی متفاوت بود و او هم نمی‌خواست در پروژه‌هایی کار کند که متناسب با دیدگاه خاص و ویژه خودش نیست.

بعد از جدایی تیم از دیزنی، و در سال ۱۹۸۵، فیلم‌های بلند او با ساخت ماجراجویی بزرگ پی‌وی آغاز شد. ساختن فیلم‌های موفق چون ادوارد دست قیچی، عروس مردگان، بنمن، بازگشت بنمن، چارلی و کارخانه شکلات‌سازی و … همراه با جوایز بسیار در کارنامه برتون می‌درخشد.

در پایان می‌توان گفت نمایش دنیایی تاریک و سرد یکی از خصوصیات فیلم‌های تیم برتون است. و همین ویژگی‌ها و دنیای فانتزی فیلم‌های اوست که فیلم‌های او را نسبت به سایر کارگردانان این ژانر خاص کرده است.

کتابخانه‌ای برای زندگی بهتر

کتابی مر تبط با پدیده پناه‌جویی

سفر شگفت‌انگیز مرتاضی که در جالباسی آیکیا گیر افتاده بود
نویسنده: رومن پوترتولاس
ترجمه: ابوالفضل الله دادی
انتشارات: قفقوس



سفر شگفت‌انگیز مرتاضی که در جالباسی آیکیا گیر افتاده بود نخستین رمان پوترتولاس است که در سال ۲۰۱۳ منتشر شده است. این رمان ابتدا با تیراژ ناامیدکننده ۲۲۳۲ نسخه منتشر شد اما اکنون بیش از ۳۰۰،۰۰۰ نسخه از آن در فرانسه به فروش رفته و این میزان بدون برآورد ۳۶ کشوری است که آن را به زبان خود برگردانده‌اند. نویسنده کتاب، رومن پوترتولاس تا قبل از انتشار این کتاب، در نیروی پلیس خدمت می‌کرد، اما حالا از این شغل استعفا داده و در این کتاب از تجربه شغل پلیسی خود نیز استفاده کرده

است. پوترتولاس همچنین، مدتی در یوتیوب ویدیوهای کوتاهی منتشر می‌کرد که در آن‌ها از ترفندهای

شعبده بازان رمزگشایی می‌کرد مترجم کتاب، ابوالفضل‌الله‌ادی در مقدمه، در مورد این کتاب چنین می‌گوید:

با خواندن کتاب حتماً با من هم عقیده خواهید بود که داستانی که در مورد مسافران غیرقانونی اروپا روایت می‌شود نمونه‌ای نادر و جذاب از پدیده‌ای است که این روزها به معضلی جهانی تبدیل شده و قربانیان بسیاری گرفته‌است.

داستان کتاب

ماجرای این کتاب در مورد سفر دو روزه مرتاض هندی، ازآتاشاترو لاواش پاتل است. پاتل قصد دارد در سفری دو روزه از هند به پاریس بیاید و از فرودگاه آیکیا تختی میخی بخرد اما اتفاقات و شرایط ناخواسته باعث می‌شود که او درگیر سفری به چهارگوشه اروپا شود. نویسنده در این کتاب از زبان طنز استفاده کرده و سعی کرده است با استفاده از نماهای مختلف مشکلات مهاجران غیرقانونی را بیان کند.

درباره کتاب

به نظر من دلیل پرفروش بودن این کتاب و ترجمه شدن آن به ۳۶ زبان دنیا، تنها بیابانگر این‌ست که مردم سراسر دنیا نگرانی‌هایی در مورد مهاجران غیرقانونی دارند. به همین خاطر علاقه‌مند هستند کتابی که به این موضوع پرداخته است را مطالعه کنند. در غیر این صورت، این کتاب نه داستان جذابی دارد، نه قلم نویسنده فوق‌العاده است، نه طنز کتاب مناسب است و نه هیچ چیز دیگری. به شخصه فکر می‌کنم کتاب‌های طنز خارجی به هیچ وجه قادر نخواهند بود که مخاطب ایرانی را راضی کنند و این کتاب هم مستثنی نیست. تنها نکته مثبتی که در مورد این کتاب وجود دارد، این است که چند سوال خوب برای فکر کردن مطرح می‌کند. موضوعات و نگرانی‌هایی که نویسنده در کتاب مطرح کرده است، واقعی و جدی هستند اما این مورد به تنهایی باعث نمی‌شود که یک کتاب جذاب و خواندنی باشد.

قسمت‌هایی از متن کتاب

راننده تاکسی که مطمئن نبود حرف او را درست شنیده باشد، به سمت مسافرش برگشت؛ از این کار پشتی چوبی صندلی‌اش را به صدا درآورد. در صندلی عقب ماشین مردی می‌سالس دید، بلندقد و زمخت و استخوانی مثل درخت، با صورتی تیره و سبیلی پرپشت، روی گونه‌های تکیده‌اش سوراخ‌های بیزی دیده می‌شد که عارضه آکنه خطرناکی بود. چندین حلقه در گوش‌ها و لب‌هایش داشت؛ انگار می‌خواست این اغیاضش را پس از استفاده مثل بوند بپزد.

می‌دونستین موباسان از برج ایفل متفر بود؟ هر روز می‌رفته تو برج ایفل غذا می‌خورده چون تنها جای پاریس که از اون جابج ایفل دیده نمی‌شه خود بره.

حتی وقتی تری‌ن مردان نیز خارج از خانه خود به مردانی آسیب پذیر، حیوان‌هایی کتک خورده با نگاه‌های مرده و چشم‌هایی بی‌فروغ تبدیل می‌شدند. آن‌ها همه دور از خانه‌هایشان کودکی‌ترک نشی خورده بودند که اگر در راهشان به موفقیت نمی‌رسیدند هیچ چیز نمی‌توانست تسلی‌شان دهد.